فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره هجدهم، بهار۱۳۹۶- صفحات ۲۴۶- ۲۱۳

ارزیابی رشته اقتصاد در ایران[1]

میثم موسایی[2]

تاریخ دریافت:۹۵ /۸/۱ **تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۲۵**

چکیده

علم اقتصاد[3] یکی از شاخه‌های اصلی علوم اجتماعی است، این شاخه از علوم اجتماعی ابتدا تحت عنوان «اقتصاد سیاسی» مطرح می‌شد. در ایران حدود نیم قرن است که تحت عنوان یک رشته مستقل دایر است این رشته ابتدا با تأسیس دانشکده اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه تهران بنیان گذاشته شد. این دانشکده قبلاً از مدارس دارالفنون محسوب می‌شد که با تأسیس دانشگاه تهران به آن ملحق شد. از سال ۱۳۴۶ با تأسیس دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، این شاخه از علوم اجتماعی توسعه فراوانی یافته و در مقطع لیسانس عمدتاً در گرایش اقتصاد نظری، اقتصاد بازرگانی و در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا دارای گرایش‌های متعددی از قبیل اقتصاد نظری، اقتصاد انرژی، اقتصاد اسلامی و ... برگزار می‌گردد. از آن زمان تاکنون این دانشکده با گرایش‌های اقتصاد بازرگانی، اقتصاد نظری و اقتصاد مالی به تربیت هزاران دانشجو در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا مشغول بوده است و اکنون در بیش از بیست دانشگاه در کشور این رشته تدریس می‌شود.

این تحقیق به دنبال ارزیابی کمی و کیفی این رشته در ایران بوده است. شاخص‌های مورد استفاده در این طرح از میان داده‌های مربوط به حوزه علم اقتصاد شامل کتاب، پایان‌نامه، گزارش طرح‌های پژوهشی و مقالات و تعداد اساتید و دانشجویان و نیز شاخص‌های مرتبط با حوزه فناوری و نوآوری گردآوری شده و در مواردی که امکان گردآوری اطلاعات به صورت کمی نبوده به کمک ابزار پرسشنامه و مصاحبه‌ی حضوری با صاحب‌نظران این رشته داده‌های مورد نیاز به صورت کیفی گردآوری و تحلیل شده است. در این تحقیق علاوه بر تحلیل وضع موجود براساس مدل STEEP-V به تحلیل روند تحولات آینده و براساس مدل SWOT به تحلیل راهبردی این رشته پرداخته شده است. در پایان نیز ضمن ارائه یک تصویر مطلوب از این رشته سیاست‌ها، راهبردها و راهکارهای عملی برای حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب ارائه گردیده است.

۱- این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی " ممیزی رشته اقتصاد" است که در سال ۱۳۹۳ توسط نگارنده برای معاونت علمی ریاست جمهوری انجام شده است.

۲- استاد دانشگاه تهران Mousaaei@ut.ac.ir

3-Economics

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

کلمات کلیدی: علوم اقتصادی، اقتصاد نظری، اقتصاد بازرگانی، شاخص‌های ممیزی اقتصـاد، وضـع موجود علم اقتصاد و وضع مطلوب علم اقتصاد.
طبقه بندی JEL: P4, O15, D31, D33, C91,Z12, C91

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

ماهیت رشته اقتصاد و قلمرو آن

ادبیاتی را که با عنوان علم اقتصاد شکل گرفته‌اند، می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. یک بخش شامل تئوری علم اقتصاد است که خود به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود: *اقتصاد خرد*[1] *و اقتصاد کلان*[2]. اقتصاد خرد، رفتار واحدهای اقتصادی را به صورت انفرادی بررسی می‌کند مثلاً مطالعه رفتار مصرف‌کننده یا رفتار یک بنگاه اقتصادی در بازار. اقتصاد کلان، رفتار متغیرهای کلان اقتصادی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. منظور از متغیرهای کلان اقتصادی، متغیرهایی از قبیل اشتغال، بیکاری، تورم، شاخص قیمت‌ها، درآمد ملی، پس انداز ملی، مصرف خانوارها، هزینه‌های دولت و مالیات‌ها است. هدف اقتصاد کلان از مطالعه متغیرهای کلان اقتصادی، شناخت روابط علی بین متغیرهای کلان اقتصادی به منظور اتخاذ سیاست‌هایی است که به کمک آن‌ها بتوان بر مشکلات اقتصادی از قبیل بیکاری، تورم و توسعه‌نیافتگی فائق آمد. لذا اقتصاد کلان، علم سیاست‌گذاری اقتصادی است. این دو شاخه از علم اقتصاد به منزله تئوری و علم پایه در اقتصاد محسوب می‌شوند.

بخش دوم از ادبیات علم اقتصاد تحت عناوینی هم چون اقتصاد توسعه، اقتصاد کشاورزی، اقتصاد صنعت، اقتصاد انرژی، اقتصاد منابع، اقتصاد آموزش، اقتصاد بهداشت، اقتصاد مدیریت، اقتصاد پول و بانک، اقتصاد بخش عمومی و غیره مطرح می‌شوند. اینها، کاربرد تئوری‌های اقتصاد خرد و اقتصاد کلان در موضوعات مورد بررسی‌اند؛ مثلاً اقتصاد کشاورزی چیزی نیست جز کاربرد تئوری خرد و کلان در بخش کشاورزی و یا اقتصاد بهداشت چیزی نیست جز کاربرد تئوری اقتصاد خرد و اقتصاد کلان در موضوعات و مسائل بهداشتی.

علم اقتصاد مانند علوم رفتاری از غرب به کشور ما وارد شده و مطالب آن به این نحو قبلاً سابقه‌ای در ایران نداشته است. این رشته ابتدا با تأسیس دانشکده اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه تهران بنیان گذاشته شد. این دانشکده قبلاً از مدارس دارالفنون محسوب می‌شد که با تأسیس دانشگاه تهران به آن ملحق شد. اما مباحث علم اقتصاد در حد یک رشته مستقل محسوب نمی‌گشت. با تفکیک رشته اقتصاد از آن دانشکده و تأسیس دانشکده اقتصاد رسماً اقتصاد به عنوان یک رشته مستقل در سال ۱۳۴۶ مطرح گردید و از آن زمان تاکنون این دانشکده با گرایش‌های اقتصاد بازرگانی، اقتصاد نظری و اقتصاد مالی به تربیت هزاران دانشجو در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا مشغول بوده است و اکنون در بیش از بیست دانشگاه در کشور این رشته تدریس می‌شود.

1-Microeconomics
2-Macroeconomics

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

بررسی‌های اولیه از مقایسه دروس این رشته در ایران با کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه نظیر مالزی و ترکیه نشان داد که به جز دروسی که آن کشورها در زمینه مسائل داخلی خود دارند مانند اقتصاد آن کشورها، در دروس اصلی تفاوت چندانی ندارند. در واقع دروس ارائه شده در مقطع لیسانس، فوق لیسانس و دکترا از عناوین مشترکی برخوردار است. به عنوان مثال اقتصاد خرد مقدماتی، اقتصاد خرد میانه، اقتصاد خرد پیشرفته در مقاطع لیسانس، فوق لیسانس و دکترا. اقتصاد کلان مقدماتی، اقتصاد کلان میانه، اقتصاد کلان پیشرفته در مقاطع سه گانه هرکدام به ارزش ۶ تا ۸ واحد ریاضیات مقدماتی، پایه و پیشرفته و آمار مقدماتی پایه و پیشرفته، اقتصاد ریاضی، تجارت بین‌المللی، مالیه بین‌المللی و پول و بانکداری. اقتصاد کشاورزی و.... از عناوین مشترکی است که در تمام دانشگاه‌های معتبر دنیا تدریس می‌شود و خوشبختانه در ایران نیز تدریس می‌شود. در ایران و مالزی و برخی از کشورهای توسعه یافته در مقطع لیسانس دو واحد درسی اقتصاد اسلامی تحت عناوین مختلفی نظیر مبانی فقهی تدریس می‌شود که در برخی از کشورها جایگاهی ندارد. در ایران در سطح لیسانس علاوه بر دروس تخصصی دروس عمومی بیش از ۲۰ واحد تدریس می‌شود که در سایر کشورها وجود ندارد. نتیجه این‌که عناوین دروس اقتصاد در ایران و حتی سرفصل‌های آن در مقایسه با کشورهای توسعه یافته هیچگونه کاستی و نقصی ندارد.

اهداف و سؤالات تحقیق

تحلیل وضعیت موجود آموزشی و پژوهشی رشته "اقتصاد" در ایران و ترسیم وضعیت مطلوب (تبیین چشم انداز) در این حوزه و ارائه پیشنهادها و راهبردهای لازم برای عبور از وضع موجود به وضع مطلوب، هدف اصلی این مطالعه است. بنابراین برای دستیابی به اهداف مذکور در صدد یافتن پاسخی برای سؤالات زیر هستیم:

۱. وضعیت موجود آموزشی و پژوهشی رشته " اقتصاد " در ایران چگونه است؟

۲. وضعیت مطلوب آموزشی و پژوهشی رشته" اقتصاد " در ایران چیست؟

۳. راهبردهای لازم برای عبور از وضع موجود به وضع مطلوب آموزشی و پژوهشی در رشته اقتصاد در ایران کدامند؟

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، اکتشافی؛ از نظر منبع گردآوری داده‌ها، اسنادی-کتابخانه‌ای و پرسشنامه، و از نظر نحوه کار بست یافته‌ها، یک تحقیق کاربردی از نوع ارزیابی فرآیندی[1] محسوب می‌شود. در این تحقیق برای بررسی روند تحولات آتی رشته از روش آینده‌نگاری براساس مدل STEEP-V استفاده شده است. روش آینده‌نگاری (STEEP-V) نیز از جمله روش‌هایی است که می‌توان براساس آن تحلیل استراتژیک انجام داد و سیاست‌ها و خط مشی اساسی یک پدیده را مشخص نمود. برای شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدها، ترسیم چشم‌انداز آینده، مشکلات، فرصت‌ها و اتخاذ سیاست‌های لازم برای نیل به اهداف رشته اقتصاد نیز از تکنیک SWOT استفاده شده است. به همین منظور با ۴۲ نفر از متخصصان و محققان حوزه اقتصاد مصاحبه‌های عمیقی صورت گرفته است. مراحل انجام تحقیق به ترتیب ذیل بوده است:

ابتدا شاخص‌های ارزیابی اعم از کمی و کیفی تعیین شدند. شاخص‌های مورد استفاده در این ارزیابی از میان فهرست شاخص‌های کمی و کیفی عرضه شده از سوی دبیرخانه ممیزی توسعه علوم انسانی در معاونت علمی و فناوری وزارتخانه متبوع که در اختیار مجری طرح حاضر قرار گرفته است، دست چین شده‌اند. این فهرست متناسب با ویژگی‌های رشته اقتصاد بهینه‌سازی شده و به شکل زیر آماده شده است:

شاخص‌های کمی و کیفی ارزیابی موضوعی رشته اقتصاد

۱- شاخص‌های کمی مربوط به سرمایه انسانی:

۱-۱- نسبت‌های جمعیتی دانشجویی در مقاطع و گرایش‌های مختلف

۱-۲- ترکیب اساتید و نسبت آن

۲- شاخص‌های کیفی سرمایه انسانی نظیر:

۲-۱- منزلت اجتماعی و رضایت شغلی دانشمندان و محققان حوزه اقتصاد

۲-۲- میزان توجه به ایجاد راه‌کارهای مناسب جهت جذب نخبگان رشته

۲-۳- میزان رضایت جامعه از توانمندی دانش‌آموختگان رشته

۲-۴- میزان کارآمدی فارغ‌التحصیلان اقتصاد در قبال نیازهای جامعه

1- Process Evaluation

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۳- شاخص‌های کمی مربوط به تولیدات علمی شامل:

۳-۱- نسبت کتب منتشره رشته اقتصاد در مقایسه با سایر رشته‌ها

۳-۲- تعداد کتب منتشره اقتصاد در گرایش‌های مختلف

۳-۳- تعداد نسبت مقالات اقتصادی به کل مقالات علوم انسانی

۳-۴- تعداد مقالات علمی پژوهشی

۳-۵- تعداد مقالات همایش‌های داخلی و خارجی

۳-۶- مقالات ISI

۳-۷- تعداد طرحهای پژوهشی و نسبت آن‌ها در مقایسه با طرح‌های علوم انسانی

۳-۸- تعداد مجلات علمی پژوهشی و نسبت آنها به کل کشور

۳-۹- تعداد مجلات علمی ترویجی

۳-۱۰- تعداد پایان‌نامه‌ها و مقایسه نسبت آنها با پایان‌نامه‌های علوم انسانی و کل کشور

۴- شاخص‌های کیفی تولیدات علمی نظیر:

۴-۱- کیفیت همایش‌های علمی

۴-۲- کیفیت مجلات علمی

۴-۳- کیفیت طرحهای پژوهشی

۵- شاخص‌های کمی کادر آموزشی مانند:

۵-۱- ترکیب اعضای هیأت علمی از لحاظ مرتبه علمی

۵-۲- توزیع اساتید در دانشگاه‌های مختلف

۵-۳- توزیع اساتید برحسب جنس و سن

۶- شاخص‌های کیفی وضعیت آموزشی و مراکز آموزشی نظیر :

۶-۱- کیفیت سازماندهی رشته در سطح ملی

۶-۲- میزان و کیفیت همکاری مراکز آموزشی با سازمان‌های خصوصی و دولتی

۶-۳- میزان گرایش به مراکز تحقیقاتی غیردولتی و روند توسعه کمی و کیفی آن‌ها

۶-۴- کیفیت مدیریت مراکز تحقیقات اقتصادی

۶-۵- میزان تأثیر آموزش‌ها و نحوه تدریس رشته اقتصاد بر کارآفرینی و خلاقیت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۷ – شاخص‌های فناوری و نوآوری شامل موارد زیر:

۱- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علوم اقتصادی در آموزش سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کلان
۲- میزان تطبیق تحقیقات انجام شده در کشور با هدف‌های برنامه‌های توسعه
۳- میزان انجام پژوهش‌های سیاستگذاری در حوزه اقتصاد
۴- نقش علم اقتصاد در ارزیابی فرایند سیاستگذاری‌های اقتصادی
۵- میزان استفاده از نتایج تحقیقات اقتصادی در عرصه سیاستگذاری‌ها
۶- میزان و کیفیت همکاری مراکز آموزشی و تحقیقاتی رشته اقتصاد با صنعت
۷- میزان مشارکت دانشمندان و محققان و محققان رشته اقتصاد در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری امور اقتصادی
۸- میزان تأثیر علوم اقتصادی در مدیریت راهبردی جریان علمی کشور و منطقه
۹- درصد حضور تحصیل‌کرده‌های اقتصاد در مشاغل مدیریتی کشور
۱۰- میزان ارتباط مراکز علمی اقتصاد با بخش‌های صنعت کشاورزی و خدمات
۱۱- میزان مشارکت علوم اقتصادی در تقویت نرم‌افزارها و نهضت نرم‌افزاری در سطح ملی
۱۲- میزان مشارکت و تأثیرگذاری اقتصاد در ارتقای نهادها در سطح ملی
۱۳- میزان مشارکت و تأثیرگذاری اقتصاد در ایجاد فضای کسب کار در جامعه
۱۴- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در ایجاد اشتغال
۱۵- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در گسترش صادرات غیرنفتی
۱۶- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در رشد بهره‌وری
۱۷- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در رشد اقتصادی
۱۸- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در مصرف بهینه بودجه‌های عمومی
۱۹- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در کنترل تورم و کاهش ارزش پول ملی
۲۰- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در کاهش فقر و فلاکت اجتماعی
۲۱- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در توزیع عادلانه درآمد، ثروت و فرصت‌ها
۲۲- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در آموزش مهارت‌های زندگی
۲۳- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در آموزش شهروندی
۲۴- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در کاهش آسیب‌های اجتماعی
۲۵- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد درآموزش تولیدات فرهنگی
۲۶- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در بهره‌گیری از مواریث و مفاخر فرهنگی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۲۷- میزان حضور دانشمندان علوم اقتصادی در فضای رسانه‌ای (مطبوعات، رادیو و تلویزیون و اینترنت)
۲۸- مشارکت علوم اقتصادی در تولید محتوای علمی فعالیت‌های فرهنگی
۲۹- مشارکت و نقش علوم اقتصادی در انجام طرحهای تحقیقاتی موردنیاز بخش عمومی
۳۰- مشارکت و نقش علوم اقتصادی در انجام طرحهای مربوط به حوزه سیاستگذاری اقتصادی
۳۱- مشارکت و نقش علوم اقتصادی در کاربست یافته‌های پژوهشی در جامعه
۳۲- مشارکت و نقش علوم اقتصادی در تولید فناوری‌های کسب و کار

۸- سایر شاخص‌ها شامل:

۱- تعداد همایش‌های اقتصادی
۲- تعداد محققان خارجی موعد خارجی در همایش‌های داخلی
۳- تعداد اساتید و محققان ایرانی شرکت‌کننده در همایش‌های خارجی
۴- تعداد پایان‌نامه‌هایی که بدون حمایت دولت به کتاب تبدیل شده‌اند.
۵- تعداد دانشمندان برجسته و مؤثر در مدیریت جامعه بین‌الملل در رشته و ...

برای تأمین داده‌های مربوط به شاخص‌های انسانی، ساختاری، عملکردی و بهره‌وری (شاخص‌های کمی) تهیه فهرستی از آثار تولید شده در حوزه اقتصاد شامل کتاب، پایان نامه، گزارش طرح‌های پژوهشی، و مقاله علمی – پژوهشی ضرورت پیدا کرد. آثار مذکور از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی اینترنتی و مراجعه به مراکز اطلاع رسانی شناسایی شدند. برای تأمین داده‌های مربوط به شاخص‌های کیفی نیز مطالعه بخش زیادی از آثار مورد ارزیابی ضرورت پیدا کرد. بعلاوه در مورد سایر شاخص‌های کیفی از صاحب نظران حوزه اقتصاد نظرخواهی شد. اولویت ما در انتخاب آثار جهت ارزیابی عبارتند از کتاب، پایان نامه، گزارش طرح‌های پژوهشی، و مقاله علمی، پژوهشی بوده است. محدوده زمانی مورد نظر جهت ارزیابی آثار در مورد کتاب‌ها و پایان نامه‌های دانشگاه‌های دولتی عبارتند از سال ۱۳۶۰ تا پایان سال ۱۳۹۱ ، و در مورد مقالات علمی، پژوهشی شامل محدوده نمی‌باشد.

فهرست آثار تولید شده در حوزه اقتصاد (اعم از کتاب، پایان نامه، طرح پژوهشی، مقاله علمی، پژوهشی) براساس گزینه‌های هر یک از متغیرهای فوق‌الذکر کدگذاری، بررسی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. علاوه بر این نظرات صاحب‌نظران دسته‌بندی و کدگذاری شده و در جداول تقاطعی ارائه می‌شوند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

یافته‌های تحقیق

۱- وضع موجود رشته اقتصاد

در این بخش وضعیت کنونی رشته اقتصاد در ایران بررسی می‌شود، هدف این است که با توجه به شاخص‌هایی که وجود دارد تصویر روشنی از موقعیت کنونی این رشته ارائه شود. محورهایی که در این بخش بررسی خواهد شد شامل سرمایه انسانی تولیدات علمی، وضعیت مراکز آموزشی، عملکردها و پیوند این رشته با صنعت و اقتصاد و شاخص‌های فناوری و نوآوری است. محورهایی است که در دو سطح بررسی می‌شود یکی در سطح ارزیابی‌های کمی و دیگری ارزیابی‌ها کیفی است. در بررسی‌های کیفی دیدگاه چهل و دو نفر از خبرگان و صاحب‌نظران این رشته در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، دانشگاه کرمان، دانشگاه شیراز، دانشگاه اهواز و اصفهان گردآوری و تحلیل شده‌اند.

الف. شاخص‌های عمومی

۱- نسبت دانشجویان این رشته به کل دانشجویان کشور ۰/۲۱ صدم درصد است و نسبت دانشجویان این رشته به کل دانشجویان علوم انسانی ۰/۴ درصد است. این نسبت به کل جمعیت کشور ۱۰۵٪ صدم درصد است یعنی به ازای هر ده هزار نفر در کشور بیش از یک دانشجو پذیرش شده است که بنظر می‌رسد نسبت مناسبی است.

جدول شماره ۱- نسبت دانشجویان مقاطع مختلف رشته اقتصاد به کل دانشجویان، دانشجویان علوم انسانی و جمعیت سال ۱۳۹۱

دانشجویان رشته اقتصاد	تعداد	نسبت به کل دانشجویان	نسبت به کل دانشجویان علوم انسانی	نسبت به کل جمعیت
کارشناسی	۲۸۲۴	٪۱۴	٪۲۹	٪۰۰۷
کارشناسی ارشد	۲۳۷۸	٪۰۶	٪۱۳	٪۰۰۳
دکتری	۴۲۵	٪۰۱	٪۰۲	٪۰۰۰۵
جمع	۸۰۲۷	٪۲۱	٪۴	٪۰۱۰۵

منبع: مرکز آمار و یافته‌های پژوهش.

۲- ترکیب هرم اساتید رشته اقتصاد نشان می‌دهد که در دانشگاه‌های تحت پوشش وزارت علوم حداقل ۲۹۲ نفر عضو هیأت علمی وجود دارد که ۱۱/۶ درصد آن‌ها استاد، ۱۷/۸ درصد دانشیار، ۶۲/۷ درصد استادیار و ۷/۹ درصد مربی هستند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۳- تعداد پژوهشگران این رشته طبق یافته‌های این تحقیقات در کل کشور حداقل ۹۰۱۶ نفرند. درواقع به ازای هریک میلیون نفر جمعیت کشور تعداد ۱۱۸ نفر محقق در حوزه اقتصاد وجود دارد.

۴- ۵۷ درصد از این نخبگان معتقدند که دانشمندان این رشته در جامعه دارای منزلت شغلی کم و خیلی کم هستند و فقط ۱۴/۴ درصد منزلت اجتماعی دانشمندان این حوزه را زیاد، خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. این شاخص نشان‌گر این است که فارغ‌التحصیلان و دانشمندان این رشته احساس می‌کنند از دانش و علم آنها به نحو مطلوب استفاده نمی‌شود.

۵- بیش از ۶۴ درصد اعتقاد دارند که راه‌کارهای مناسب جهت جذب نخبگان این رشته کم و خیلی کم است و ۱۴/۳ درصد آنرا در حد متوسط و فقط ۷/۱ درصد آن را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

۶- ۶۴/۴ درصد از نمونه مورد مطالعه بیش از حد متوسط از توامندی دانش‌آموختگان این رشته رضایت دارند.

۷- ۷۸/۸ درصد از جامعه مورد مطالعه، کارآمدی آنان را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند و فقط ۱۶/۷ درصد کارآمدی آنان را کم و خیلی کم میدانند

۸- از سال ۱۳۵۷ تا کنون در میان ۶۳۹۷۳ عنوان کتاب درحوزه علوم انسانی ۳۴۹۶ عنوان سهم حوزه اقتصاد بوده است . طبق اطلاعات بدست آمده سهم اقتصاد از کل علوم انسانی حدود ۱۰ درصد است البته حدود ۲۰ درصد از این کتب تألیفی و بقیه ترجمه‌ای هستند کمتر از ۵۰ درصد از این کتاب‌ها به چاپ دوم رسیده و اکثراً برای یک نوبت منتشر شده‌اند.

۹- در حوزه اقتصاد ۱۴۷۴ مقاله علمی پژوهشی منتشر شده است که در مقایسه با کل علوم انسانی (۱۷۳۸۱ مقاله) حدود ۸/۵ درصد از این مقالات را شامل می‌شود که رقم قابل توجهی است.

۱۰- هر نفر به طور متوسط در طول حیات علمی خود ۳/۱ مقاله با انديکس ISI منتشر کرده است که نسبت به سایر رشته‌ها قابل قبول است.

۱۱- در حوزه اقتصاد ۷۵ مجله و نشریه منتشر می‌شود که از این تعداد ۴۷ درصد (۳۵ مورد) آنها دارای رتبه علمی-پژوهشی است و ۱۶ درصد آنها علمی - ترویجی و بقیه که بیشتر جنبه اطلاع‌رسانی دارند.

۱۲- ۳/۱ درصد از کل طرح های پژوهشی کشور و ۱۴ درصد از کل طرح های علوم انسانی مربوط به اقتصاد است.

۱۳- براساس اطلاعات درج شده در پایگاه ایران داک ۱۳۲۱۱۲ پایان‌نامه در این پایگاه ایندکس شده که ۳۱۴۹۶ مورد آن مربوط به کل رشته‌های علوم انسانی و ۳۸۴۶ مورد آن مربوط به حوزه‌های علم اقتصاد است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۱۴- کیفیت کتب منتشره در حوزه علم اقتصاد از دیدگاه خبرگان این رشته، متوسط به بالا ارزیابی شده است .

۱۵- کیفیت همایش‌های برگزار شده در حوزه علم اقتصاد در ایران توسط خبرگان، متوسط و کمتر از آن ارزیابی شده است .

۱۶- کیفیت مجلات علمی پژوهشی رشته اقتصاد توسط صاحب‌نظران این رشته عمدتاً خوب و عالی ارزیابی شده است.

۱۷- کیفیت طرحهای پژوهشی رشته اقتصاد از دیدگاه صاحب‌نظران این رشته در حد متوسط ارزیابی شده است.

۱۸- در دانشگاه‌های دولتی حداقل ۲۹۲ عضو هیأت علمی رسمی در رشته اقتصاد داریم. تعداد اعضای هیأت علمی و مدعوی دانشگاه‌های دولتی، و غیر دولتی و تعداد مدرسان دروس اقتصادی در کشور حدود ۱۴۰۰ نفرند.

۱۹- بیش از ۸۵ درصد از آنان را مردان تشکیل می‌دهد وسهم زنان کمتر از ۱۵ درصد است.

۲۰- بیش از ۳۱ درصد از اساتید این رشته کمتر از ۳۶ سال دارند و حدود ۳۵/۷ درصد بین ۳۶ تا ۴۵ سال دارند و ۳۳/۳ درصد نیز بیش از ۴۶ سال سن دارند.

۲۱- بررسی کیفیت ساماندهی و سازماندهی رشته اقتصاد در سطح ملی نشان می‌دهد که متأسفانه سامان‌دهی قابل قبولی در سطح کشور ندارد.

۲۲-کیفیت مدیریت مراکز تحقیقاتی در کشور از لحاظ خبرگان این رشته در حد متوسط به بالا ارزیابی شده است.

ب. شاخص‌های فناوری و نوآوری

خلاصه یافته‌های این تحقیق در زمینه شاخص‌های فناوری و نوآوری به شرح زیر است:

۱- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علوم اقتصادی در آموزشی سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی کلان کشور بالاتر از حد متوسط ارزیابی شده است.

۲- میزان تطبیق تحقیقات اقتصادی با برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد که نزدیک ۷۰ درصد خبرگان این رشته این تحقیقات را بالاتر از حد متوسط در جهت اهداف برنامه توسعه می‌دانند، بالا بودن عرضه طرح‌های تحقیقاتی به دانشمندان این رشته تا اندازه زیادی این واقعیت را نشان می‌دهد.

۳- میزان انجام پژوهش‌های سیاستی در حوزه اقتصاد براساس نظرات خبرگان این رشته نشان می‌دهد که همه تحقیقات حوزه اقتصاد در حد زیاد و خیلی زیاد به نحوی به پژوهش‌های سیاستی منتهی می‌گردد. زیرا حتی تحقیقات کاملاً نظری در حوزه اقتصاد ماهیتاً با سیاست‌گذاری گره

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

خورده‌اند و اصولاً هویت این رشته ماهیتی سیاستی است و با متغیرهایی که بتوان از آن‌ها در سیاست‌گذاری استفاده کرد سروکار دارد.

۴- نقش علم اقتصاد در ارزیابی فرایند سیاستگذاری‌های اقتصادی توسط خبرگان این رشته کم و بسیار کم برآورد شده و آن‌ها بر این باورند که علم اقتصاد در حال حاضر نقش کمی در ارزیابی فرایند سیاستگذاری‌ها دارد.

۵- میزان استفاده از نتایج تحقیقات اقتصادی در عرصه سیاستگذاری توسط صاحب‌نظران این رشته کم و بسیار کم است بیش از ۸۴ درصد میزان استفاده از نتایج تحقیقات اقتصادی که در عرصه سیاست‌گذاری تمرکز حد متوسط می‌داند.

۶- میزان و کیفیت همکاری مراکز آموزشی و تحقیقاتی رشته اقتصاد با صنعت در حد متوسط و کمتر از آن ارزیابی شده به گونه‌ای که پنجاه درصد از پاسخگویان میزان و کیفیت همکاری را کم و خیلی کم می‌دانند

۷- میزان مشارکت دانشمندان و محققان رشته اقتصاد در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در امور اقتصادی بسیار کم است به طوری که بیش از ۹۵ درصد از خبرگان مورد پرسش واقع شده این مشارکت را متوسط و کمتر از آن می‌دانند.

۸- میزان تأثیر علوم اقتصادی در مدیریت راهبردی جریان علمی کشور و منطقه متوسط ۸۵ درصد از خبرگان کم و بسیار کم ارزیابی شده است و فقط ۷/۳ درصد آنرا در حد متوسط می‌دانند.

۹- درصد حضور تحصیل‌کرده‌های اقتصاد در مشاغل مدیریتی کشور هم براساس مشاهدات موردی هم براساس نظرسنجی از خبرگان این رشته کمتر در حد متوسط ارزیابی شده است.

بیش از ۸۸ درصد از خبرگان این رشته درصد حضور را کم و یا خیلی کم و کمتر از حد متوسط می‌دانند.

۱۰- میزان ارتباط مراکز علمی اقتصاد با بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات نسبتاً زیاد است.

۱۱- میزان مشارکت علوم اقتصادی در تقویت نهضت نرم‌افزاری و تقویت نرم‌افزارها در سطح ملی بسیار کم است.

۱۲- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در ارتقای کلیه نهادها در سطح ملی عمدتاً کم و خیلی کم ارزیابی شده است.

۱۳- میزان مشارکت و تأثیرگذاری اقتصاد در ایجاد فضای مناسب کسب و کار در جامعه بیش از حد متوسط است به طوری که بیش از ۷۰ درصد از خبرگان مورد مطالعه این مشارکت را در حد متوسط و زیاد می‌دانند.

۱۴- میزان مشارکت و تأثیرگذاری اقتصاد در ایجاد اشتغال و در حد متوسط ارزیابی شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۱۵- میزان مشارکت و تأثیرگذاری اقتصاد در گسترش صادرات غیرنفتی کمتر از حد متوسط است.

۱۶- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در رشد بهره‌وری در حد متوسط و بالاتر از متوسط است

۱۷- میزان تأثیر علم اقتصاد در رشد اقتصادی کشور زیاد ارزیابی شده است.

۱۸- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در مصرف بهینه بودجه‌های عمومی زیاد و بسیار زیاد ارزیابی شده است. به طوری که بیش از ۷۰ درصد از خبرگان این نظر را تایید کرده‌اند.

۱۹- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در کنترل تورم و کاهش ارزش پول ملی نشان می‌دهد که اکثر صاحب‌نظران مورد مطالعه نقش اصلی را برای علم اقتصاد قایل هستند. اما در عمل به نظرات صاحب‌نظران توجه نمی‌شود.

۲۰- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در کاهش فقر و فلاکت اجتماعی از دیدگاه خبرگان این رشته بسیار زیاد است زیرا این علم توانایی حل مشکلات مربوط به فقر و غلبه بر فلاکت اجتماعی را دارد. تجربه کشورهای موفق بیانگر حقیقت مذکور است.

۲۱- میزان مشارکت و تأثیرگذاری اقتصاد در توزیع درآمد، ثروت و فرصت‌ها در حد زیاد و بالاتر ارزیابی شده است.

۲۲- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در آموزش مهارت‌های زندگی بسیار کم است و این به محتوای دروس تخصصی برمی‌گردد که تقریباً نسبت به مهارت‌های زندگی خصوصاً زندگی فردی بی‌توجه است. بطوری که بیش از ۷۰ درصد از صاحب‌نظران این رشته تأثیر علم اقتصادی در آموزش آموزش‌های زندگی بسیار کم و کم می‌دانند.

در مصاحبه‌های حضوری اکثر صاحب‌نظران این رشته اعتقاد داشتند که علت بی‌تأثیر بودن علم اقتصاد در آموزش مهارت‌های زندگی این است که محتوای دروس ارائه شده نسبت به مهارت‌های زندگی خصوصاً زندگی فردی بیگانه است. برخی پیشنهاد داشتند که بهتر است درسی تحت عنوان «تدبیر منزل» به دروس اقتصاد اضافه شود تا به دانشجویان مهارت‌های زندگی را در حوزه دخل و خرج خانواده کمک کند و سبک زندگی متناسب با فرهنگ و اقتصاد جامعه را آموزش دهد.

۲۳- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علم اقتصاد در حوزه حقوق شهروندی کمتر از حد متوسط ارزیابی شده است.

درس بیمه، درس حقوق تجارت و درس تنظیم خانواده درس‌هایی هستند که در رشته اقتصاد در آموزش شهروندی مؤثرند اما به نظر می‌رسد محتوای آنان در جهت آموزش حقوق شهروندی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

نیست. لذا پیشنهادات اصلی صاحب‌نظران این رشته این است که باید محتوای دروس مذکور متناسب با حقوق شهروندی و مهارت‌های زندگی تغییر یابد.

۲۴- میزان کاهش و تأثیرگذاری علم اقتصاد در کاهش آسیب‌های اجتماعی از دیدگاه خبرگان این رشته قابل توجه است.

به طور طبیعی بکارگیری آموزه های اقتصادی منجر به بهبود شرایط زندگی مادی می‌شود. از آنجایی که رابطه نزدیکی بین شرایط اقتصادی و ارتکاب جرایم و آسیب‌های اجتماعی دارد لذا قاعدتاً این علم می‌تواند به طور مستقیم به بهبود شرایط اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک کند.

۲۵- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علوم اقتصادی در آموزش تولیدات فرهنگی کم و خیلی کم ارزیابی شده است.

۲۶- میزان مشارکت و تأثیرگذاری علوم اقتصادی در بهره‌گیری از مواریث و مفاخر فرهنگی از دیدگاه دانشمندان این رشته بسیار کم است. (جدول ۳-۵۱) پیشنهاد اکثر صاحب‌نظران این رشته اضافه شدن دو درس به درس‌های علم اقتصاد است. یکی اقتصاد میراث فرهنگی و توریسم و دیگری عقاید اقتصادی متفکران مسلمان نظیر ابن خلدون و فارآبی و قطب‌الیدن شیرازی و ... است تا دانشجویان به ارزش میراث فرهنگی و مفاخر ملی پی ببرند.

۲۷- میزان حضور دانشمندان علوم اقتصادی در فضای رسانه‌ای، مطبوعات، رادیو، تلویزیون و اینترنت قابل توجه است. اکثر به اتفاق خبرگان این رشته در طول سال به صورت مستمری در این فضای رسانه‌ای حضور دارند. از ۴۲ نفر مورد مطالعه ۱۱ نفر از آن‌ها با رادیو و تلویزیون و مطبوعات در طول سال گذشته مصاحبه داشته‌اند، همه آن‌ها در فضای اینترنتی حضور دارند. بیست و یک نفر از آن‌ها دارای سایت و یا وبلاگ هستند و همه آن‌ها روزانه ایمیل خود را چک می‌کنند. خبرگان این رشته اعتقاد دارند که صاحب‌نظران این رشته در مقایسه با سایر رشته‌ها حضور بیشتری در رسانه‌های ملی دارند و البته کمتر دارای تریبون‌های مستقل‌اند. بخش کوچکی از این صاحب‌نظران اعتقاد دارند که حضور در فضای رسانه‌ای با ماهیت فعالیت‌های علمی سازگاری چندانی ندارند.

۲۸- مشارکت علم اقتصاد در تولیدات محتوای علمی فعالیت‌های فرهنگی بسیار ناچیز است. دلیل آن این است که فعالیت‌های فرهنگی توسط کسانی صورت می‌گیرد که آشنایی چندانی با نقش علم اقتصاد در این حوزه ندارند. آنچه در این رابطه از دیدگاه صاحب‌نظران قابل طرح است این است که آن‌ها به جز در تولید آگهی‌های تبلیغاتی طرف مشورت قرار نمی‌گیرند، در حالی که در تولید فیلم‌های سینمایی، سریال‌های تلویزیونی، ادبیات و رمان و... می‌توان از آموزه‌های اقتصاد به منظور

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

آموزش اقتصاد در حوزه عمومی استفاده کرد. از ۴۲ نفر مورد مطالعه همه آن‌ها اظهار داشته‌اند که تا به حال حتی برای یک بار برای تولید محصولات فرهنگی طرف مشورت قرار نگرفته‌اند.

۲۹- مشارکت در انجام طرح‌های تحقیقاتی مورد نیاز بخش عمومی در حد متوسط و کمتر از حد متوسط است.

۳۰- مشارکت در انجام طرح‌های مربوط به حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی از دیدگاه خبرگان این رشته عمدتاً در حد متوسط است.

۳۱- مشارکت علوم اقتصادی در کمک به کاربست یافته‌های پژوهشی بسیار کم ارزیابی شده است

۳۲- مشارکت و نقش علم اقتصاد در تولید فناوری‌های کسب و کار در حد متوسط ارزیابی شده است.

نقش علم اقتصاد در تولید فنآوری‌های کسب و کار بیشتر به برگزاری کلاس‌های مربوط به اقتصادسنجی، تحقیق در عملیات، بازاریابی، نرم‌افزارهای اقتصادی آموزش زبان تجاری، عملیات بانکداری، حسابداری و مدیریت مالی مربوط است که عمدتاً در مؤسسات تحقیقات اقتصاد و با مشارکت دستگاه‌های اجرایی برگزار می‌شود و در انتها به ارائه گواهی منتهی می‌شود از دیدگاه خبرگان این رشته توسعه این فعالیت‌ها به کارآمدی رشته اقتصاد و افزایش بهره‌وری فارغ‌التحصیلان آن کمک بسیاری کرده است.

ج- سایر شاخص‌ها

۱- در پنج سال اخیر در رشته اقتصاد ۱۵ کارگاه علمی – تخصصی در حوزه علم اقتصاد برگزار شده است.

۲- تعداد همایش‌های علمی بین‌المللی برگزار شده در حوزه علم اقتصاد در پنج سال اخیر ۳۰ مورد بوده است.

۳- تعداد اساتید و محققان مدعو خارجی در همایش‌های بین‌المللی داخلی در حوزه اقتصاد ۱۷ مورد بوده است.

۴- تعداد اساتید و محققان شرکت‌کننده ایرانی در همایش‌های بین‌المللی خارج کشور در پنج سال اخیر حدود ۵۰ نفر بوده است.

۵- تعداد پایان‌نامه‌هایی که بدون حمایت دولت به کتاب تبدیل شده کمتر از پنج درصد کل پایان‌نامه‌های حوزه اقتصاد است.

۶- تعداد داشنمندان برجسته مؤثر در مدیریت جامع بین‌الملل در حوزه اقتصاد دو نفر است.

۷- تعداد مراکز تحقیقاتی که به طور مستقیم و غیرمستقیم که در حوزه مسائل اقتصادی فعالیت دارند حدود ۷۰ مورد است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۸- نسبت مراکز تحقیقاتی در حوزه اقتصاد به کل مراکز تحقیقاتی کشور حدود دو درصد است.

۹- مرکز یا مراکزی برای نخبه‌پرور در حوزه اقتصاد جدای از سیستم آموزشی کشور وجود ندارد.

۱۰- تعداد انجمن‌های علمی که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در حوزه اقتصاد فعالیت دارند حداقل ۵ مورد است.

۱۱- تعداد قطب‌های علمی در حوزه اقتصاد یک مورد است.

۱۲- نسبت استفاده علمی از اینترنت در حوزه اقتصاد به کل استفاده از اینترنت طبق نظر خبرگان این رشته حدود ۱۰ درصد است.

۱۳- نسبت سرانه اعتبارات تخصیص‌یافته به تحقیق و توسعه در حوزه اقتصاد به ازای مقاله‌های IS در حوزه اقتصاد حدود یک میلیون و پانصدهزار تومان است.

۱۴- رصد برندگان داخلی جوایز علمی بین‌المللی در حوزه اقتصاد در پنج سال اخیر صفر بوده است.

۱۵- تعداد قراردادهای منعقده با نوسانات اقتصادی دولتی و غیردولتی در پنج سال اخیر ۵۰۰ مورد بوده است.

۱۶- پنجاه درصد از پایان‌نامه‌های دانشجویی در حوزه اقتصاد مورد حمایت دستگاه‌های اجرایی قرار گرفته است.

۱۷- نود درصد از اعتبارات پژوهشی در حوزه اقتصاد مربوط به دولت است . بخش خصوصی نقش ناچیزی در تأمین اعتبار پروژه‌های تحقیقاتی اقتصاد دارد.

۱۸- درصد اعتبارات تحقیق و توسعه به تولید ناخالص ملی در حوزه اقتصاد بسیار ناچیز در حد صفر درصد است.

۱۹- نسبت هزینه‌های تحقیق و توسعه در حوزه اقتصاد به کل تحقیقات کشور حدود ده درصد است.

۲۰- حدود ۹۰ درصد از دانشجویان این رشته پس از فارغ‌التحصیلی جذب بازار کار می‌شوند. این نسبت برای فارغ‌التحصیلان دکتری صد در صد و برای فارغ‌التحصیلان ارشد حدود نود و پنج درصد است.

۲۱- ۸۰ درصد از دانشجویان این رشته پس از فارغ‌التحصیلی جذب مراکز مرتبط با رشته خود می‌شوند.

۲۲- توزیع پراکندگی دانشجویان در استان‌های مختلف نسبتاً متعادل است.

۲۳- توزیع دانشگاه‌های فعال از لحاظ جغرافیایی (بدون در نظر گرفتن شهر تهران) نسبتاً مناسب است و تقریباً در اکثر استان‌های کشور دانشکده اقتصاد و یا رشته اقتصاد برقرار است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۲- تحلیل آینده این رشته: بررسی روند تحولات آتی رشته براساس مدل STEEP-V

روش آینده‌نگاری (STEEP-V) نیز از جمله روش‌هایی است که می‌توان براساس آن تحلیل استراتژیک انجام داد و سیاست‌ها و خط مشی اساسی یک پدیده را مشخص نمود. در این فصل براساس آنچه در شیوه‌نامه تهیه ممیزی علوم ارائه شده سعی خواهد شد که آینده‌نگری این رشته براساس مدل STEEP-V صورت گیرد. در روش مذکور تحلیل استراتژیک براساس شاخص‌های زیر صورت می‌گیرد:

۱. اجتماعی (Social)
۲. تکنولوژیکی یا فنی (Technological)
۳. اقتصادی (Economical)
۴. محیطی (Environmental)
۵. سیاسی (Political)
۶. ارزش‌ها (Values)

در آینده رشته اقتصاد به طور قطع در ایران اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا خواهد کرد. کشور ما به دلایل اجتماعی، تکنولوژیکی، اقتصادی، محیطی و سیاسی و به دلیل ارزش‌های تحول یافته، ناچار است که برای توسعه کمی و کیفی رشته اقتصاد سرمایه‌گذاری قابل توجهی نماید. متغیرهای کلان در جامعه ما در ابعاد مختلف دچار تحولاتی است که لزوم تحول و سرمایه‌گذاری در رشته اقتصاد را تشدید و تسریع خواهد کرد. مطالعات روند این متغیرها به گونه‌ای است که اگر امروزه در این زمینه سرمایه‌گذاری کافی صورت نگیرد در آینده فرصت‌های قابل توجهی را کشور ما از دست خواهد داد که هزینه آنها صدها و بلکه هزاران برابر سرمایه‌گذاری فعلی در این زمینه است. مهم‌ترین این تحولات به شرح زیر است:

الف. اجتماعی

۱. با تغییراتی که در سیاست‌های جمعیتی در سال گذشته ایجاد شده پیش‌بینی می‌شود که نرخ رشد جمعیت در سال‌های آینده به بالاتر از ۲/۵ درصد برسد با یک نرخ ۲/۵ درصدی، جمعیت کشور در سی سال آینده بیش از دو برابر خواهد شد و جمعیت کشور بالغ بر ۱۵۷ میلیون می‌شود. معنای این افزایش این است که ما در سه دهه آینده احتیاج به ایجاد حداقل بیست میلیون شغل داریم، احتیاج به بیست میلیون مسکن اضافی داریم. همچنین لازم است تعداد مدارس ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان تعداد کلاس‌های دانشگاه را دو برابر شود و قس علی هذا. درواقع افزایش جمعیت مذکور در شرایطی صورت می‌گیرد که کشور دچار رکود تورمی است و ظرفیت‌های تولید، به دلیل واردات گسترده به شدت آسیب دیده و فرهنگ دلالی جای خود را به فرهنگ تولید در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

جامعه داده است. حل مشکلات مذکور فقط با روش‌های علمی و استفاده از جدیدترین تئوری‌های علمی در حوزه اقتصاد ممکن است. بنابراین تربیت نیروی کافی متخصص در حوزه اقتصاد در سطوح مختلف سیاستگذاری و سطح میانه و بنگاه‌ها پیش شرط لازم جهت برنامه‌ریزی و تحقق شرایط مذکور است.

۲. با افزایش جمعیت روند مهاجرت به سمت شهرها افزایش می‌یابد. مهاجرت به شهرها از یک طرف باعث خالی شدن روستاها از جمعیت فعال و جوان می‌گردد؛ از طرف دیگر در شهرها شاهد انواع مشکلات اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی خواهیم بود. در حال حاضر نرخ رشد جمعیت در روستاها تقریباً یک درصد است در حالی که نرخ رشد جمعیت در شهرها بیشتر از دو درصد است، درنتیجه به طور طبیعی با افزایش جمعیت کشور به ۱۵۷ میلیون در سی سال آینده، پیش‌بینی می‌شود که اکثریت قریب به اتفاق این جمعیت در شهرهای بزرگ و در حاشیه‌ها ساکن شوند. افزایش جمعیت حاشیه، زمینه‌ساز انواع مشکلات اجتماعی خواهد بود. افزایش جرایم نظیر قاچاق، رشد فحشا، سرقت، ایجاد ناامنی، رشوه‌خواری، اعتیاد و ... یکی از تبعات قطعی ایجاد امنیت است که ریشه تمام آن‌ها در دو چیز خلاصه می‌شود: فقر و بیکاری. بنابراین اگر امروز برای وضعیت مذکور پیش‌بینی لازم را نکنیم، در آینده نه فقط مشکلات فعلی حل نخواهد شد بلکه شاهد بیکاری گسترده‌تر، فقر عمیق‌تر، سوء تغذیه بیشتر، بهداشت نامطلوب‌تر، هزینه‌های درمانی فزون تر، مسکن‌های نامناسب‌تر، مدارس بی‌کیفیت‌تر، تورم بیشتر، قدرت خرید کمتر، سفرهای خالی‌تر، افسردگی‌های عمیق‌تر، بهم‌ریختگی اجتماعی وسیع‌تر، از یک طرف و نابودی سرمایه‌های اجتماعی و انسجام اجتماعی و درنتیجه بحران‌های اجتماعی خواهیم بود. حل معضلات مذکور نیازمند بکارگیری دانش‌های متعددی از قبیل مدیریت، جامعه‌شناسی، حقوق و اقتصاد است که اساس آنها اقتصادی خواهد بود.

۳. در حال حاضر بیش از سه میلیون نفر فاقد شغل و کار هستند، خالص شغل‌های ایجاد شده در هشت سال گذشته (تفاضل تعداد فرصت‌های شغلی ایجاد شده منهای تعداد کسانی که شغل خود را به دلیل بازنشستگی، اخراج و یا استعفا و یا بازخرید و یا از کارافتادگی از دست داده‌اند) در کشور کمتر از بیست هزار نفر است در حالی که با افزایش رشد جمعیت در طی سی سال آینده براساس نرخ ۲/۵ درصد به طور متوسط باید ۶۶۶ هزار شغل به صورت خالص ایجاد گردد، بین بیست هزار تا ۶۰۰ هزار فاصله زیادی وجود دارد. آیا بدون یک برنامه‌ریزی اصولی و علمی امکان پرکردن این شکاف عمیق وجود دارد؟

نگاهی به آمار بیکاری در سی سال اخیر براساس آمارهای رسمی که توسط مرکز آمار منتشر شده است، نشان می‌دهد که نرخ بیکاری از سال ۱۳۷۷ که آمار آن رسماً منتشر شده تاکنون

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

دورقمی است. در سال ۱۳۷۷ نرخ بیکاری از ۱۳/۱ درصد بـه ۱۲/۲ درصـد در سـال ۱۳۹۱ رسـیده یعنی در این مدت فقط کمتر از یک درصد از نرخ بیکاری کاسته شده است. متوسط نرخ بیکـاری از سال ۱۳۷۷ تاکنون ۱۱/۵ درصد است. کمترین نرخ بیکاری مربوط به سـال ۱۳۸۷ اسـت کـه ۱۰/۴ درصد بوده است. آنچه توسط مرکز آمار اعلام شده بیانگر این واقعیت است که خالص اشتغال ایجـاد شده بسیار ناچیز بوده است.

گرچه نرخ بیکاری دو رقمی بیانگر وجود رکود شدید در فعالیت‌هـای اقتصـادی از یـک طـرف و آسیب‌پذیری جامعه از آثار غیرمستقیم بیکاری و فقر است، اما ارقام مذکور به هیچ وجه بیانگر همـه واقعیت مسأله نیست. واقعیت این است که اولاً نرخ مذکور فقط بیکاری آشکار را اندازه‌گیری می‌کند و ثانیاً تعریف بیکاری آشکار به اندازه‌ای توسعه پیدا کرده که شامل بیکارانی که در هفته فقط چنـد ساعتی (حتی بدون درآمد) درجایی کار می‌کنند، می‌شود؟ ثانیاً براساس برآوردهای غیررسمی نـرخ بیکاری پنهان در اقتصاد ایران حدود سی درصد است. یعنی درواقع سی درصد از کسانی کـه رسـماً شاغل هستند دارای اشتغال اقتصادی نیستند و هیچ گونـه نقشـی در تولیـد محصـولات و خـدمات ندارند، بخش اصلی این بیکاری پنهان در دو بخش کشاورزی و سازمان‌های دولتی مشغول هسـتند. تعداد روزهایی که یک کشاورز در ایران کار می‌کند کمتر از ۱۲۰ روز در سـال اسـت و حـدود ۲۴۰ روز عملاً کاری انجام نمی‌دهد و در کنار کارهای کشاورزی شـغل دیگـری در ایـام بیکـاری (ماننـد زمستان) ندارد. هم‌چنین میزان ساعات کار مفید برخی از سازمان‌های دولتی کمتـر از یـک سـاعت است در حالی که هزینه‌های بسیار بالایی بر مردم تحمیل می‌کنند.

نتیجه این که نرخ واقعی بیکاری (پنهان و آشکار) بیش از ۴۰ درصد است. ایجاد اشتغال و اقعی و مولد برای ۴۰ درصد از نیروی کار فعال یک جامعه با شعار ممکـن نمـی‌شـود. تجربـه نشـان داده است که کشورهایی که توانسته‌اند بر بیکاری غلبه کنند، کشورهایی بوده‌اند که در آن‌ها علم اقتصـاد نقش اصلی را در حل مشکلات دارد و تصـمیم‌هـای اقتصـادی مسـتقل از بانـدبازی‌هـای سیاسـی و خواسته گروه‌ها و احزاب سیاسی صورت می‌گیرد. با افزایش جمعیت و با رشد فعلی اقتصـادی قطعـاً مشکلات مربوط به بیکاری از آنچه امروز وجود دارد گسترده‌تر خواهد شد و امروزه ثابت شده اسـت که بیکاری فقط جنبه اقتصادی و درآمدی ندارد. فرد بیکار و فاقد شـغل درواقـع فاقـد هویـت و بـه شدت مستعد انواع انحرافات اجتماعی است.

۴. افزایش سطح سواد، افزایش رسانه‌های گروهی، رشد شبکه‌های اجتماعی باعـث افـزایش سـطح توقعات جامعه برای دسترسی به محصولات ضروری اقتصـادی از قبیـل خـوراک، پوشـاک، مسـکن، آموزش و بهداشت از یک طرف و محصولات لوکس و کمتـر ضـروری نظیـر محصـولات فرهنگـی و اوقات فراغت غنی‌تر و مسافرت و ... از طرف دیگر خواهد شد. افزایش تولید محصول اولیـه و ثانویـه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

مذکور بدون حل و مفصل کردن مشکلات اقتصادی و دستیابی به رشد و توسعه بالاتر در حوزه اقتصاد ممکن نیست. برای حل مشکلات مذکور جامعه بیش از گذشته به یافته‌های علمی علم اقتصاد محتاج خواهد بود.

۵. قطعاً نسبت جمعیت شهری به روستاها در آینده افزایش خواهد یافت. روستاهای ایران به دلیل مشکلات مربوط به کم آبی و کمبود زمین از یک طرف و فقدان بهره‌وری لازم از طرف دیگر، ظرفیت لازم را برای جذب جمعیت بیشتر ندارند. افزایش جمعیت کشور قطعاً باعث افزایش مهاجرت به شهرها خواهد شد (البته حتی اگر نرخ رشد جمعیت نیز در سطح فعلی باقی بماند باز هم در آینده شاهد جابجایی جمعیت از روستاها به شهرهای کوچک‌تر و از شهرهای کوچکتر به شهرهای بزرگ‌تر خواهیم بود). درنتیجه تراکم جمعیت در شهرها به معنای احتیاج به مسکن بیشتر و مناسب‌تر، شهرک سازی اصولی، ایجاد زیربناهای اقتصادی نظیر ایجاد خیابان، مدرسه، دانشگاه، بیمارستان، پلیس و ... خواهد داشت. درنتیجه سر و سامان بخشیدن به این تقاضای گسترده بدون بکارگیری تئوری‌های اقتصادی و داشتن برنامه‌های اقتصادی دقیق ممکن نیست.

۶. تغییرات پنج‌گانه بالا از لحاظ اجتماعی منجر به رشد طبقه متوسط می‌شود . طبقه‌ای که سطح انتظاراتش متفاوت از طبقه ثروتمند و فقیر است البته منظور از طبقه متوسط صرفاً طبقه متوسط اقتصادی نیست. این طبقه متوسط می‌تواند از لحاظ فرهنگی متوسط باشد. این طبقه همیشه تحول‌خواه و توسعه طلب است. عدم رسیدگی مناسب به این طبقه به گونه‌ای که از احترام و درآمد و منزلت لازم برخوردار باشند جامعه را به شدت آسیب‌پذیر خواهد ساخت.

۷. تغییر سبک زندگی نتیجه قطعی تحولات شش‌گانه بالاست. قطعاً سبک زندگی در آینده به گونه‌ای است که جامعه مصرفی‌تر خواهد بود و نه فقط سطح مصرف افزایش می‌یابد بلکه ترکیب کالاهای مصرفی نیز افزایش می‌یابد و تنوع محصولات مصرفی نیز بر تغییر ترکیب، افزوده خواهد شد. در واقع افزایش سطح مصرف (حداقل توقعات مصرفی)، تغییر ترکیب محصولات مصرفی به دلیل تغییرات اجتماعی و نیز ایجاد تنوع بیشتر در کالاهای مصرفی، تقاضای جدیدی شکل خواهد گرفت که قبلاً وجود نداشته است. از آنجایی که اقتصاد ایران به شدت دولتی است و هنوز دولت بزرگترین کارفرماست. دولت نمی‌تواند حل و فصل مسائل مذکور را به بخش خصوصی و مردم واگذار کند، خصوصاً که تقاضای ایجاد شده صرفاً تقاضا برای کالاهای خصوصی نخواهد بود، بلکه بسیاری از آنها جنبه اجتماعی دارد و جزء کالاهای عمومی‌اند که وظیفه دولت است که نسبت به تأمین تولید و توزیع عادلانه آنها اقدام نماید.

۸. علی‌رغم گسترش نسبی بیمه‌ها، تأمین اجتماعی، و سیاست‌های اجتماعی و نیز کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت به طبقات محروم و پرداختی یارانه‌های نقدی متأسفانه توزیع درآمد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

بهبود قابل توجهی نیافته و به دلیل کاهش ارزش پول و تورم بسیار بالا، آثار تمام سیاست‌های مذکور خنثی شده‌اند. طبق آمارهای رسمی ۱۰ درصد از ثروتمندترین افراد جامعه در مناطق شهری بیش از ۱۸ برابر بیشتر از فقیرترین روستانشینان کالاهای غیرمواد غذایی مصرف کرده‌اند در حالی که همین آمار در مورد مواد غذایی معادل ۸/۲ برابر را نشان می‌دهد (کارشناس، ۱۳۹۱). تازه این نابرابری در مصرف است، قطعاً نابرابری در درآمد بیشتر از آن است و نابرابری در ثروت قطعاً بیشتر از نابرابری در هردو آن‌ها است. از طرف دیگر در جامعه ایرانی، همیشه مردم نسبت به عدالت حساسیت خاصی داشته و دارند و می‌توان گفت عدالت‌خواهی و رفع ظلم از کلیدی‌ترین مشخصه‌های مردم ایران در طول تاریخ بوده است. برای رفع این ظلم عظیم که عمدتاً نتیجه حاکمیت رانت‌های ناشی از دسترسی به درآمدهای نفتی است. احتیاج به تغییر وضع موجود داریم. وضعیتی که در آن اقتصادی سالم حاکم باشد و فاصله طبقاتی به نحو چشمگیری کاهش یابد آیا بدون داشتن یک سیاست اقتصادی – اجتماعی علمی می‌توان مشکل مذکور را حل نمود؟

۹. افزایش نرخ مشارکت زنان به دلیل تحولات مربوط به رشد توانمندی آنها، افزایش نرخ بیکاری زنان به دلیل عدم فرصت‌های برابر، بالا بودن نرخ بیکاری جوانان خصوصاً زنان جوان و تحصیل کرد و به معنای تجدیدنظر در سیاست‌های اجتماعی خصوصاً در حوزه آموزش و حوزه‌های اقتصادی برای جلوگیری از ایجاد توقعات پاسخ داده نشده است.

عوامل نه‌گانه مذکور توجه و سرمایه‌گذاری قابل توجه در رشته اقتصاد را به عنوان رشته‌ای که بیشترین بار را برای حل و فصل مشکلات مذکور دارد بیش از گذشته ضروری و الزامی می‌سازد.

ب. تکنولوژیکی

تکنولوژیکی به معنای بکارگیری دانش در عمل، اصلی‌ترین عامل پیشرفت جوامع انسانی در سیصد سال اخیر بوده است. در گذشته زمان تبدیل علم به تکنولوژی بعضاً قرن‌ها طول می‌کشید و در اکثر مواقع نیز پس از قرن‌ها علم در همان سطح نظری باقی می‌ماند. امروزه ارزش علومی که نمی‌تواند به تکنولوژی و یا به ثروت اقتصادی تبدیل شوند کاهش یافته است، البته اگر تکنولوژی را در اینجا به همان معنایی که در علوم فنی بکار می‌رود تعریف کنیم، قاعدتاً باید روند تحولات تکنولوژی را به صورت دقیق بررسی کنیم و تأثیر آن را بر رشد اقتصاد و علم اقتصاد مورد توجه قرار دهیم، اما این کار پروژه‌ای مستقل را می‌طلبد ولی آنچه در این رابطه مهم است، نقشی است که این تکنولوژی‌ها در ایجاد قدرت اقتصادی و تولید ثروت دارد. قطعاً امروزه دنیا به سمت تولید انواع تکنولوژی‌هایی است که با هزینه و عوامل تولید کمتر، تولید بیشتری در اختیار بشر قرار دهد. کافی است به تکنولوژی‌هایی که در بیست سال اخیر در اختیار بشر قرار گرفته نگاهی گذرا داشته باشیم. امروز اکثریت مردم جهان دارای تلفن همراه هستند، امروزه بخش عظیمی از جمعیت دنیا دارای

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

ماهواره‌اند، امروزه اکثریت جمعیت جهان دارای اینترنت هستند، فقط این سه تحول در حوزه تکنولوژی ارتباطی هزینه مبادله را بشدت کاهش داده و امکان تجارت و مبادله را برای بنگاه‌ها در سطح جهان با کمترین هزینه ممکن ساخته است. افزایش سرسام‌آور حجم مبادلات در بیست سال اخیر به چند هزار میلیارد دلار می‌رسد گویای واقعیت مذکور است. کشور ما از هیچ یک از تحولات مذکور بی‌نصیب نبوده است. بیست سال پیش کمتر از یک درصد از افراد در ایران موبایل داشتند اما امروز بیش از پنجاه میلیون نفر دارای این وسیله ارتباطی‌اند و... همین وضعیت در تولید انواع ماشین‌آلات در سطح تولیدات مطرح است همه این‌ها باعث شده است که هم در وقت، هم در منابع، صرفه‌جویی قابل توجهی صورت گیرد. اصولاً وجه ممیزه دنیای صنعتی شده امروز با اقتصاد معیشتی گذشته در پیشرفت تکنولوژی بوده است. سرعت رشد این تحولات عظیم، دو راه جلوی پای اقتصاد ایران می‌گذارد. یا باید نسبت به این تحولات بی‌تفاوت باشیم و با همان روش‌های سنتی تولید کنیم و یا خود را با این تحولات هماهنگ سازیم و در روند این تحولات نقش داشته باشیم، قطعاً حالت اول منجر به توقف و حفظ عقب‌ماندگی از قافله رشد بشری از یک طرف و ناتوانی محصولات داخلی برای رقابت با محصولات سایر کشورها می‌شود و نتیجه‌اش در بلندمدت ورشکستگی بنگاه‌های داخلی و کاهش رفاه و گسترش فقر و بی‌کاری است. پس به ناچار راه دوم را باید طی کنیم. علم اقتصاد به عنوان دانش که به راحتی می‌تواند هزینه و فایده پذیرش این تحولات را محاسبه کند و نیز اقتصاد به عنوان بخشی که فوری و مستقیم متأثر از تغییرات تکنولوژیکی مذکور است، باید متناسب با این تحولات از یک طرف و متناسب با نیازهای بومی کشور از طرف دیگر تغییر کند و متحول گردد.

ج. محیطی

هم محیط داخلی (زیستی و اجتماعی) و هم محیط خارجی (زیستی و اجتماعی) بر لزوم توجه به تأثیر تحولات محیطی علم اقتصاد تأکید دارد. کشور ما در داخل از لحاظ محیط زیست، دچار کم‌آبی و خشکسالی است، استعداد قابل توجهی برای وقوع حوادث غیرمترقبه طبیعی نظیر سیل و زلزله دارد، به دلیل استفاده بی‌رویه از مراتع و جنگل‌ها، بخش اعظمی از جنگل‌ها و مراتع نابوده شده و یا در معرض نابودی است. رشد کشاورزی به دلیل محدودیت‌های آب، خاک و هوا در بخش وسیعی از کشور امکان توسعه مداوم را ندارد، محیط زیست با سرعت بالایی در حال تخریب است. افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی به معنای تولید بیشتر زباله و گازهای گلخانه‌ای و آلوده شده محیط زیست است. هر روز بخش وسیعی از خاک‌های کشاورزی به امور صنعتی و مسکونی تبدیل می‌شود. از طرفی محیط زیست طبیعی در داخل کشور می‌تواند به عنوان یک ظرفیت قابل توجه برای جلب توریست مورد توجه قرار گیرد و وجود اختلاف دمای زیاد در مناطق مختلف کشور امکان

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

تولید انواع مرکبات و محصولات را در فصول مختلف فراهم می‌سازد. از طرف دیگر از لحاظ اجتماعی و اقتصادی ما در سرزمین مهمی زندگی می‌کنیم که محل تلاقی و برخورد شرق و غرب بوده و هنوز نیز حائز اهمیت است (گرچه از آن کاسته شده است)، ولی البته در این محیط دارای رقبای قوی هستیم که نمی‌توانیم نسبت به رفتار آنها بی‌توجه باشیم. هم‌چنان که دشمنان بزرگی نیز داریم که مشکلات زیادی برای کشور ایجاد کرده‌اند. همه این‌ها دنیای ما را بسیار پیچیده‌تر از گذشته کرده و محیط عمل را محدودتر کرده و در عین حال فرصت‌های زیادی نیز برای کشور آفریده است این محیط الزاماتی برای کشور ما ایجاد می‌کند:

۱.لزوم استفاده حداکثر از فرصت‌های اقتصادی و مناسب تجاری؛

۲.لزوم مقابله با تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری برای حضور در بازارهای جهانی؛

۳.لزوم توجه به حفظ محیط زیست در عین استفاده بهینه و کارآمد از آن برای کمک به رشد اقتصادی معقول؛

۴.لزوم سرمایه‌گذاری قابل توجه برای بالا بردن ظرفیت تولیدکشور برای مقابله با تهدیداتی که صنعت و اقتصاد را هدف گرفته است؛

۵.توجه به عدالت بین نسلی در برنامه‌های توسعه؛

۶.توجه همزمان به آثار اجتماعی و زیست محیطی و اقتصادی سیاستگذاری اقتصادی؛

همه امور مذکور به نحوی لزوم استفاده بهینه از منابع محدود را گوشزد می‌سازد و این چیزی جز موضوع اصلی علم اقتصاد نیست، البته علم اقتصاد در کشور باید خود را متحول سازد تا بتواند نقش خود را به خوبی ایفا کند.

د. اقتصادی

تحولات آتی حوزه اقتصاد، علم اقتصادی را متأثر خواهد ساخت. درواقع تحولات اقتصادی در حوزه اندیشه معمولاً نتیجه تحولات اقتصادی در واقعیت بوده است. اگر شکست سیاست‌های مرکانتلیستی نبود، کلاسیک‌ها رشد نمی‌کردند. اگر بحران بزرگ ۱۹۳۰ نبود مکتب کینز شکل نمی‌گرفت، اگر نوسانات تجاری نبود تئوری ادوار تجاری بوجود نمی‌آمد و... تحولات آتی جهان به سمتی است که به نظر می‌رسد در عین این که جهان اجتماعی‌تر می‌شود اقتصادی‌تر هم می‌شود و توسعه اقتصاد کشور بدون تعامل با دنیای توسعه یافته ممکن نیست. شرط لازم برای تعامل مؤثر با دنیای خارج مجهز شدن به دانش این ارتباط و آشنایی با اقتصاد آن‌هاست و این کار با توسعه و به روز شدن دانش اقتصاد در داخل کشور ممکن است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

حل و فصل مشکلات اصلی اقتصاد نیز با توسعه و بکارگیری یافته‌های دانش اقتصادی ممکن می‌گردد. امروزه کشور ما دارای مشکلات اساسی در حوزه معیشت مردم است که صرفاً به تعدادی اشاره می‌شود:

۱. تورم لجام گسیخته، در کشور باعث بی‌ثباتی و ضربه زدن به رفاه عمومی و تولید شده است نرخ رشد تورم از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ به طور متوسط برابر با ۶/۷ درصد بوده است. متوسط نرخ تورم از سال ۱۳۵۸ تاکنون ۲۰/۲ درصد بوده است. این نرخ طبق آمار رسمی مرکز آمار در سال ۱۳۹۱ به ۳۱/۵ درصد رسیده است. وقتی متوسط نرخ تورم در سی سال گذشته برابر با ۲۰/۲ درصد باشد معنای این سخن این است که قدرت خرید یک سکه هزار تومانی در سال ۱۳۵۸ برابر است با ۴۳۳ هزار تومان الان است. به عبارت دیگر در حال حاضر که حقوق یک کارگر کمی بیش از ۴۳۳ هزار تومان است، قدرت خرید این کارگر برابر با ۱۰۰۰ تومان در سال ۱۳۵۸ است. علاوه بر آن در شرایط تورمی عده‌ای نفع می‌برند و عده‌ای ضرر. ضرر کسانی که ضرر می‌کنند و قدرت خرید خود را از دست می‌دهند برابر است با نفع کسانی که نفع می‌کنند. حقوق‌بگیران ثابت، کشاورزان، کارمندان و فقرا بیشترین ضرر را می‌کنند و دولت و ثروتمندان بیشترین نفع را می‌کنند. در واقع تورم، فقیر را فقیرتر و غنی را غنی‌تر می‌کند. تورم مذکور به صورت جدی به تولید، رفاه جامعه، و عدالت اجتماعی لطمه زده است. اقتصاد ایران در حال حاضر نه فقط دچار تورم بلکه دچار بیکاری گسترده است. به این وضعیت در اقتصاد رکود تورمی گفته می‌شود. اقتصاد وقتی دچار تورم است عده اندکی سود می‌برند واکثریت مردم زیان می‌بینند. اقتصاد وقتی دچار رکود و بیکاری است باز عده‌ای زیان می‌بینند اما وقتی اقتصاد دچار رکود تورمی است همه ضرر می‌کنند. امروز اقتصاد ایران دچار چنین وضعیتی است، وضعیتی که هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده زیان می‌بینند و هیچکس از این وضعیت رضایت ندارد. در واقع شاخص فلاکت در کشور افزایش یافته است. شاخص فلاکت حاصل جمع نرخ تورم و بیکاری است اگر به آمارهای رسمی مرکز آمار استناد کنیم حاصل جمع این دو در سال ۱۳۹۱ حدود ۴۴ درصد است. که یک رکود بی‌سابقه نه فقط در اقتصاد ایران بلکه در میان اقتصادهای مشابه محسوب می‌شود. یکی از سه وظیفه علم اقتصاد در سطح کلان حل مشکل تورم و بیکاری است. طبیعی است که راه حل این دو مشکل اساسی چیزی جز بکارگیری یافته‌های این دانش بشری در حوزه اقتصاد و رشته‌هایی که دارای مرکزهای مشترک با اقتصاد هستند نیست.

۲. حدود هشتاد درصد اقتصاد ایران در دست دولت است. در واقع حل مشکلات اقتصادی بدون سیاستگذاری‌های دولتی مناسب در ایران ممکن نیست زیرا سهم دولت دراقتصاد به نحوی است که به راحتی می‌تواند تأثیر منحصر به فردی در حوزه اقتصاد داشته باشد. اساس تئوری اقتصاد کلان

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

مربوط به مطالعه روابط متغیرهای کلان اقتصادی نظیر روابط بین تولید ملی، هزینه خانوارها، سرمایه‌گذاری، صادرات، واردات، هزینه‌های دولت، مالیات‌ها، یارانه‌ها، نرخ تورم، نرخ بیکاری، نرخ ارز، نرخ بهره و... است. نقش دولت در اقتصاد ایران سبب می‌شود که هم به دلیل سهمی که در اقتصاد دارد و هم به دلیل نقشی که در اعمال سیاستگذاری‌ها دارد، دارای آثار تعیین‌کننده برای اثرگذاری بر متغیرهای هدف نظیر کاهش بیکاری، رشد اقتصادی، کاهش تورم و... است. این روابط امروز در اقتصاد کلان و به طور اخص در اقتصاد بخش عمومی مطالعه می‌شود. به همین دلیل دولت‌هایی که دخالت گسترده‌ای در اقتصاد دارند بیش از سایر دولت‌ها به آموزه‌های علم اقتصاد. خصوصاً در حوزه بخش عمومی نیاز دارند.

۳.چندسالی است که دولت سیاست‌گذاری لازم برای اصلاحات اقتصادی را آغاز کرده است. یکی از این اصلاحات طرح هدفمندی یارانه‌هاست. این طرح زندگی تمام ایرانیان را متأثر کرده است. صرف نظر از درستی یا نادرستی آن، این طرح باعث شد که مسائل اقتصادی بیش از گذشته در کانون توجه تک تک خانوارها قرار گیرد. در این باره یک تصمیم نادرست می‌تواند رفاه خالص جامعه را کاهش دهد.

تئوری اقتصاد بخش عمومی که مستقیماً به این مسائل مربوط می‌شود. آنقدر پیشرفت کرده که در تمام دانشگاه‌های دنیا در عالی‌ترین سطوح نیز تدریس می‌شود.

۴.یکی دیگر از سیاست‌های اصلاح ساختار اقتصاد، خصوصی‌سازی است که اگر به نحو مناسبی انجام گیرد می‌تواند انگیزه و رشد را به اقتصاد ایران برگرداند. برگشت انگیزه و رشد می‌تواند به حل مشکلات اساسی نظیر تورم و بیکاری و توسعه نیافتگی کمک کند. اجرای درست این سیاست مستلزم انجام مطالعه گسترده اقتصادی در تمام بخش‌های اقتصادی برای شناخت دقیق بخش‌هایی است که به نحوی باید دچار خصوصی‌سازی شوند. حضور بیشتر بخش خصوصی در اقتصاد لزوم استفاده از روش‌های اقتصادی را ضروری‌تر می‌سازد.

هـ سیاسی

در نظام‌های مردم‌سالار کسب رضایت مردم از اهمیت زیادی برخوردار است. قطعاً تحولات سیاسی آینده کشور به سمت هرچه مردمی‌تر شدن سیستم‌های سیاسی و افزایش مشارکت مردم است. یکی از خواسته‌های اساسی مردم حل مشکلات معیشتی است که بخش بزرگی از راه حل آن در دست سیاست است. علاوه بر این نظام‌های سیاسی معمولاً با اجرای نحوه خاصی از اقتصاد سیاسی به دنبال ایجاد یک طبقه حامی هستند. تقریباً هیچ نظام سیاسی از این هدف غافل نیست. علاوه بر این نظام سیاسی مبتنی بر اسلام نمی‌تواند نسبت به وضعیت اقتصادی مردم بی‌تفاوت باشد، هم‌چنان که نمی‌تواند سیاست‌های خنثی را دنبال کند، به گونه‌ای که هیچ‌گونه محاسبه‌ای از نحوه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

توزیع منافع سیاست‌ها نداشته باشد. یا نسبت به نحوه توزیع عایدی ناشی از فعالیت‌های اقتصادی و برنامه‌های توسعه بی‌تفاوت باشد.

و. ارزش‌ها

جامعه امروزه ما نسبت به سه دهه گذشته دچار تحولات اساسی در نظام ارزشی خود شده است که این تحولات هم مثبت بوده هم منفی. اما یکی از تحولاتی که اهمیت رشته اقتصاد را بیش از گذشته برجسته کرده است، این است که ارزش‌های مادی در جامعه موضوعیت ذاتی پیدا کرده است. در جامعه امروز ما اکثریت مردم به مسائل اقتصادی بیش از گذشته اهمیت می‌دهند. همه خواهان رفاه بیشترند. همه می‌خواهند از سطح آموزش بالاتری هم خود و هم فرزندانشان برخوردار شوند همه می‌خواهند که از استانداردهای بهداشتی برخوردار باشند، همه می‌خواهند یک شغل آبرومند داشته باشند، همه به تغذیه و پوشاک خود کم و بیش اهمیت می‌دهند و... تغییرات مذکور باعث می‌شود که جامعه ارزش خاصی برای دانش اقتصاد قایل شوند.

اهمیت رشته اقتصاد در آینده

باتوجه به آنچه گفته شد مجموع روند متغیرهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، تکنولوژیکی و محیطی سبب خواهد شد که در آینده احساس نیاز به رشته اقتصاد بیش از گذشته باشد. چرا در دو سه انتخابات اخیر ریاست جمهوری شعارهای اصلی کاندیداها حول محور اقتصادی بوده است؟ آیا غیر از این است که مطالعات نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی در اولویت اول مردم است. در واقع اقتصادی‌ترین شیوه برای حل مشکلات معیشتی مردم، افزایش رفاه عمومی، کاهش بیکاری، کاهش تورم، جبران زیان‌های ناشی از کاهش قدرت خرید جامعه، کمک به اقشار و طبقات محروم، بهینه‌کردن پرداخت یارانه‌ها، توزیع عادلانه درآمد، تعدیل ثروت، رشد صنعت، رشد کشاورزی و... این است که در توسعه دانشی سرمایه‌گذاری کنیم که وظیفه اساسی‌اش حل این مشکلات است.

سؤال اساسی که ممکن است ذهن خواننده را آزار دهد این است که با وجود این که بیش از نیم قرن از ورود دانش اقتصاد به ایران می‌گذرد و با وجود ظرفیت‌ها و منابع عظیم کشور چگونه این جامعه باید دچار فقر باشد؟ چرا باید نرخ تورم بالای ۳۰ درصد باشد؟ چرا باید نرخ بیکاری آشکار بیش از ۱۲ درصد و نرخ بیکاری پنهان بیش از ۳۰ درصد باشد؟ چرا باید بیش از سه میلیون معتاد و یا بیکار داشته باشیم؟ چرا جمع کثیری از خانواده‌ها در تأمین هزینه‌های اساسی خود درمانده‌اند؟ چرا رشد اقتصادی کشور حتی نمی‌تواند به اندازه رشد جمعیت باشد ؟ و سوالاتی از این قبیل.

به نظر محقق علت در سه مسأله خلاصه می‌شود، اول این که اعتقاد چندانی به دانش اقتصاد وجود نداشته و اکثر تصمیمات اقتصادی در سایه سیاست‌زدگی اتخاذ شده است. ثانیاً در جاهایی که

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

توجهی به این دانش شده است سعی در بکارگیری تئوری‌هایی بوده است که هنوز برای اقتصاد ایران بومی نشده بوده‌اند. ثالثاً در مواردی که هم دانش اقتصادی از کفایت لازم برخوردار بوده و هم مسئولان خواهان استفاده از این تئوری‌ها در حل مشکلات مذکور بوده‌اند، اجرای این تئوری‌ها توسط مدیریت ناکارآمدی صورت گرفته است. درواقع هر سیاست درستی توسط یک مدیریت ناکارآمد و بی‌کفایت می‌تواند به شکست منتهی شود.

راه حل مشکلات اقتصادی این است: اولاً تلاش شود که دانش اقتصادی در کشور به آخرین تئوری‌های روز دنیا مجهز گردد. ثانیاً تئوری‌ها باید متناسب با شرایط اقتصادی ایران بازسازی شود. ثالثاً شرایط خاص فرهنگی دینی ایران باید در بکارگیری تئوری مورد توجه قرار گیرد. در چنین صورتی دانش اقتصاد از کفایت لازم برای حل مشکلات اقتصادی برخوردار می‌شود، اما این‌ها، از شروط لازم است. اعتقاد به حاکمیت علم در مواردی که باید علم حاکم باشد باید به یک باور عمومی هم برای مردم و هم برای مسئولان تبدیل شود. برای این که بتوان از دانش اقتصاد مذکور برای حل مشکلات استفاده کرد باید معضلات و مشکلات به طور دائم رصد شوند و مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرند، تا به طور مرتب سیاست‌ها مورد بازبینی واقع شوند. در واقع اقتصاد جامعه مانند جسم یک انسان بیمار است که باید همیشه تحت نظر پزشک باشد. اقتصاد جامعه آن هم اقتصادی که دچار بیماری‌هایی است که راه حل بعضی از آنها به تشدید دیگری می‌انجامد. باید به طور مرتب مطالعه و در ارزیابی‌ها تجدیدنظر شود. بنابراین همانطوری که جسم انسان همیشه احتیاج به مراقبت دارد تا سلامت آن محفوظ باشد. اقتصاد دقیقاً چنین وضعیتی دارد؟ آیا ما چنین شرایطی را برای حل مشکلات اقتصادی فراهم کرده‌ایم که انتظار حل آنها را داریم؟

۳- تحلیل راهبردی

در این بخش به دنبال شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدها، ترسیم چشم‌انداز آینده، مشکلات، فرصت‌ها و اتخاذ سیاست‌های لازم برای نیل به اهداف رشته اقتصاد هستیم، بر این اساس برای این که تحلیل ما دارای روایی و اعتبار کافی باشد، با ۴۲ نفر از متخصصان و محققان حوزه اقتصاد که در دانشگاه‌های بزرگ کشور اشتغال دارند، مصاحبه عمیق صورت گرفت. در این بخش نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای این رشته از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان ارائه می‌شود.

۱- نقاط قوت

- وجود اساتید متخصص و علاقمند؛
- وجود علاقه در بین دانشجویان این رشته؛

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

- گسترش رشته اقتصاد از لحاظ کمی؛
- علمی بودن رشته اقتصاد نسبت به سایر رشته‌های علوم انسانی
- وجود مجلات علمی – پژوهشی متعدد در حوزه اقتصاد؛
- وجود انجمن‌های علمی قوی در حوزه اقتصاد کشور؛
- وجود مراکز متعدد علمی- پژوهشی در حوزه اقتصاد؛
- بروز بودن تئوریهای اقتصادی و قابلیت تست و ارزیابی آنها؛
- ایجاد نرم‌افزارهای جدید بر پایه نظریات جدید اقتصادی که موجب کارآفرینی شده است؛
- جامعیت رشته اقتصاد
- دانشجویان این رشته به مسایل و مشکلات جامعه تساط کافی دارند؛
- وجود مبانی نظری قوی؛
- قدمت طولانی رشته اقتصاد در ایران؛
- ارتباط قوی این رشته با سایر علوم مانند جامعه‌شناسی و روانشناسی.

۲- نقاط ضعف:

- کمبود اساتید مسلط به اقتصاد با توجه به شرایط خاص ایران؛
- کمبود مراکز تحقیقاتی در شهرستان‌ها؛
- عدم وجود دانشجویان قوی؛
- اشتغال افراد با تخصص غیر مرتبط در این رشته؛
- کم انگیزه شدن دانشجویان و استادان به دلیل سیستم تشویق و تنبیه اشتباه؛
- عدم دسترسی به منابع دست اول و به روز؛
- محدودیت در ارتباطات اینترنتی با دانشگاه‌ها و مراکز علمی دنیا؛
- عدم توجه این حوزه به مسایل کاربردی در حل مسایل کشور؛
- عدم توجه به موضوعات بین رشته‌ای؛
- عدم تطبیق تئوری‌ها و نظریات اقتصادی با شرایط و محیط کشورهای در حال توسعه ؛
- قابلیت سنجش و ارزیابی تئوری‌ها و نظریات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه کمتر است؛
- ناهماهنگی بین جذب دانشجویان کارشناسی‌ارشد و دکتری با تقاضا و نیاز بازار کار؛
- افزایش سن فارغ‌التحصیلان این حوزه؛
- افزایش توقعات فارغ‌التحصیلان این حوزه؛
- وجود متون قدیمی اقتصاد در دانشگاه‌ها؛

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

- عدم دسترسی به مجلات علمی معتبر خارجی؛
- ورود افراد غیر متخصص از سایر حوزه‌ها به علم اقتصاد؛
- فقر نظری، و عدم آشنایی با تحولات نظری در حوزه‌های مختلف علم اقتصاد.

۳- فرصت‌ها:

- افزایش تعداد دانشجویان و فارالتحصیلان رشته‌های اقتصاد در مقاطع تحصیلات تکمیلی؛
- طرح اولویت حل مسائل اقتصادی نسبت به سایر مسائل مسئولان نظام؛
- مسایل اقتصادی از موضوعاتی است که امروزه مورد توجه همگان است؛
- مسئولان و سیاستگذاران همه بدنبال حل مشکلات اقتصادی هستند؛
- شعار حل مشکلات اقتصادی به شعار همگانی تبدیل شده است؛
- علم اقتصاد بیش از هر رشته‌ی دیگری قابلیت تبیین رفتار انسانی را دارد؛
- شاخص‌های اقتصادی بیش از گذشته تعیین کننده وضعیت اقتصادی- اجتماعی، فرهنگی کشورها و جوامع هستند؛
- آینده دانش اقتصاد با توجه به تجربیات گذشته و مشکلات اخیر کشور می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات کشور باشد؛
- توسعه تفکر اقتصاد اسلامی؛
- ارتباط قوی و مستقیم رشته اقتصاد با معیشت مردم؛
- وجود احساس تغییر و نیل به توسعه در همه حوزه‌ها به ویژه در بخش اقتصاد؛
- خصوصی‌سازی و عزم دولت برای اجرای سیاست‌های اصل ۴۴؛
- رشته‌های اقتصاد با اصلی‌ترین مشکلات جامعه سرو کار دارد؛
- وجود امکانات بالقوه و فراوان جهت توسعه رشته اقتصاد در داخل و خارج کشور؛
- وجود امکانات و شرایط نسبتاً گسترده در داخل و خارج جهت ادامه تحصیل در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری؛
- وجود تقاضا در بازار کار برای فارغ‌التحصیلان رشته‌های اقتصاد؛
- وجود امکان استفاده از تجربیات و نظریات اقتصادی سایر کشورها.

۴- تهدیدها:

- حضور کمرنگ اقتصاددانان در عرصه‌های کلان تصمیم‌گیری؛
- نبود توازن بین نیازهای جامعه و بازار با توان‌مندی‌های فارغ‌التحصیلان این حوزه؛
- برخورد شعاری با علوم انسانی به ویژه موضوعات اقتصادی؛

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

- حل نشدن مشکلات اساسی اقتصاد و معرفی کردن علوم اقتصادی به عنوان مقصر اصلی؛
- فرار مغزهای این رشته و تهی شدن دانشگاه‌ها از افراد فرهیخته‌ی این حوزه؛
- احساس بی‌نیازی در میان دولتمردان به متخصصان این رشته برای حل معضلات اقتصادی؛
- نفوذ گرایشات سلیقه‌ای و جهت‌گیرانه در توصیف نظریه‌های اقتصادی و کاربست تورش‌دار رهنمودهای سیاسی در حوزه‌های اقتصادی؛
- غیر قابل قبول دانستن دست‌آوردهای دانش بشری در حوزه اقتصاد؛
- عدم اعتقاد سیاستگذاران به استفاده از علم اقتصاد در اداره کشور؛
- مدرک‌گرایی ؛
- نبود امنیت شغلی برای صاحبنظران و منتقدان این حوزه؛
- ورود افراد ضعیف در مناصب استادی؛
- دانشجویان نخبه و مستعد بیشتر جذب رشته‌های پزشکی و مهندسی می‌شوند
- عدم امنیت شغلی دانشجویان این رشته بعد از فارغ‌التحصیلی؛
- نا آشنایی اساتید علم اقتصاد به طور کلی با تاریخ اقتصادی ایران و به ویژه یک قرن گذشته مانع از شکل‌گیری درس تاریخ اقتصاد ایران انجامیده است.

۵- موانع و مشکلات

- الگوبرداری از تحقیقات خارجی؛
- وجود ارتباطات جهت دریافت پروژه‌ها به جای توانایی‌ها؛
- توجه کم به مطالعات بنیادی ؛
- سوء مدیریت؛
- عدم توجه به اصول اقتصادی؛
- عدم وجود شایسته سالاری؛
- عدم وجود برنامه، تئوری و پژوهش‌های جامع در خصوص ارزیابی قبل از اجرا؛
- تسلط روابط بر ضوابط؛
- عدم اعتقاد دولتی‌ها به استفاده از علم اقتصاد در اداره کشور؛
- وجود دیدگاه مکانیکی و مهندسی در اقتصاد؛
- وجود رویکرد آزمون و خطا در مسایل اقتصادی کشور؛
- کپی‌برداری از تئوری‌ها و نظریات اقتصادی غربی؛
- عدم توجه به بومی کرد ن تئوری‌ها و نظریات اقتصادی؛

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

- توجه نکردن به مقالات انتقادی و کاربردی در حوزه اقتصاد؛
- فقدان ارتباط بین تئوری و کاربرد؛
- در سایه قرار گرفتن علم اقتصاد و تحلیل اقتصادی و سلطه سیاست؛
- رانت خواری و و جود فساد؛
- وجود اقتصاد دولتی در کشور؛
- کمبود مراکز تحقیقاتی و پژوهشی؛
- کمبود کتب علمی تألیفی در حوزه اقتصاد؛
- کمبود اساتید مسلط به علم اقتصاد؛
- ترجمه ضعیف برخی متون و کتاب‌های خارجی؛
- تصمیم‌گیری‌های غیر علمی و بی‌پشتوانه تحقیقاتی؛
- کمبود اعتبارات مالی در بخش‌های آموزشی، پژوهشی؛
- فاصله بخش تحقیقاتی و دانشجویی با عقلانیت در اجرا(فقدان استراتژی) و سیاست‌زدگی؛
- نبود ارتباط بین کارگزاران اقتصاد با سایر حوزه‌ها؛
- مشخص نبودن اولویت‌های حوزه اقتصاد.

۵-۶- سیاست‌ها، راهبردها و راهکارها

- ✓ دادن طرح‌ها و پروژه‌ها به متخصصین؛
- ✓ افزایش مراکز تحقیقاتی و پژوهشی و اصلاح مدیریت آن ها؛
- ✓ افزایش توجه به اقتصاد اسلامی؛
- ✓ کاهش تعداد همایش و کنفرانس‌های اقتصادی کم‌محتوا،
- ✓ حاکمیت مدیریت کارآمد برای استفاده بهینه از امکانات و بودجه و نیروی انسانی
- ✓ اصلاح ساختار مدیریتی و مراکز آموزشی و پژوهشی برمبنای تخصص و متعهد نه رابطه؛
- ✓ بروز کردن متون درسی؛
- ✓ بومی کردن متون درسی؛
- ✓ گسترش رشته‌های میان درسی؛
- ✓ توسعه گرایش‌های اقتصادی بر اساس نیاز کشور؛
- ✓ گسترش ارتباطات جهانی برای تبادل تجربیات؛
- ✓ تغییر نگرش مسئولان به کار آمدی رشته اقتصاد در حل مشکلات؛
- ✓ ثبات رویه در سیاست‌گذاری و پرهیز از ملاحضات سلیقه‌ی در انتصاب مشاوران اقتصادی دولت‌ها؛

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

- ✓ سخت‌گیری و احتیاط بیشتر در توسعه مراکز آموزشی که بدون ضوابط علمی مدارک دانشگاهی صادر می‌کنند؛
- ✓ حذف تمامی امتیازات جهت ورود به تحصیلات تکمیلی؛
- ✓ داشتن سعه‌صدر و پذیرش سایر دیدگاه‌ها و پذیرش انتقادات و نظرات اصلاحی؛
- ✓ گسترش ارتباطات صنعت با دانشگاه‌ها در حوزه اقتصاد ؛
- ✓ گسترش رشته‌های میان رشته‌ای مرتبط با اقتصاد؛
- ✓ هماهنگی بین نیازهای اقتصادی کشور و تئوری‌ها؛
- ✓ بازسازی تئوری بر اساس فرهنگ و ارزش‌های کشور؛
- ✓ ایجاد واحدهای کارورزی و عملی(حضور در بازار بورس، موسسه‌های مالی و اعتباری و بانکی، مراز تجاری و ...) برای این رشته؛
- ✓ آزادی ابراز نظر توسط پژوهشگران به ویژه در حوزه های سیاستگذاری و نقد سیاست های اقتصادی ،
- ✓ باید مشوق های لازم برای مشارکت هر چه بیشتر در ارائه سیاست های اقتصادی کشور برای محققین فراهم آورده شود و در فرایند های ارتقاء علمی اساتید مورد توجه جدی قرار گیرند؛
- ✓ با تاسیس مراکز پژوهشی بیشتر در دانشگاهها و نیز به طور مستقل زمینه های پژوهش های جدی تر در حوزه اقتصاد فراهم آید.
- ✓ ایجاد مراکز مشاوره‌ی در دانشگاه‌ها.

نتیجه‌گیری و رائه راهکارهای اجرایی درخصوص ارتقاء رشته اقتصاد

۱. ایجاد زمینه‌های مطالعاتی(آموزشی و پژوهشی) به صورت بین رشته‌ای در حوزه اقتصاد و علوم اجتماعی و تعامل این حوزه‌ها با هم؛
۲. استخدام اعضا هیات علمی توانمند در دانشکده‌های اقتصاد؛
۳. تشویق رتبه اولی‌ها برای ورود به رشته اقتصاد؛ و بورسیه کردن آنها و امکان ادامه تحصیل تا دکترا به طور مستقیم؛
۴. تربیت دانشجویان قوی و بکارگیری آنان در اداره و حل مسایل کشور؛
۵. افزایش ظرفیت جذب دانشجویان دکتری؛
۶. تقویت ارتباط دانشگاه‌ها با نهادهای تصمیم‌گیرنده مانند بانک مرکزی؛
۷. افزایش ارتباط اساتید و دانشگاه‌ها با کارفرمایان و بازار؛
۸. تعریف بودجه‌های لازم در خصوص طرح‌های کاربردی و نظری؛
۹. ایجاد اتاق فکری مناسب و مستمر در مورد تدوین و بازنگری مستمر الگوی توسعه اقتصادی؛

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۱۰. بازنگری جدی در مورد سرفصل‌های دروس اقتصاد؛
۱۱. بومی‌سازی منابع درسی خصوصاً در متون ترجمه‌ای؛
۱۲. لزوم بیان مثال‌های عینی و کاربردی از اقتصاد ایران در دروسی مانند اقتصاد خرد و کلان؛
۱۳. جدی گرفتن دروس کاربردی مانند: روش تحقیق و تکنیک‌های کمی و ...؛
۱۴. توسعه پژوهش‌های کاربردی اقتصاد در مراکز آموزشی و پژوهشی؛
۱۵. اضافه شدن دروس کلیدی از جمله درس سیاستگذاری اقتصادی و آموزش روش‌شناسی؛
۱۶. تقویت دروس آمار و ریاضی که ابزار های اساسی در علم اقتصاد هستند ؛
۱۷. دادن آزادی عمل به اساتید در تعیین شرح دروس برآمده از پژوهش‌های داخلی در پاسخ به نیازهای سیاستی در اقتصاد ایران؛
۱۸. تأسیس گرایش‌های اقتصاد ایران در مقطع ارشد؛
۱۹. تامین نیازهای دسترسی به منابع جدید برای پژوهشگران، اساتید و دانشجویان؛
۲۰. استقرار نظام ملی پژوهش، نوآوری و ابتکار و توزیع منابع پژوهشی نه براساس ارتباط بلکه بر اساس شایستگی‌ها و پاسخگویی به نیازهای سیاستی کشور ؛
۲۱. توسعه پژوهش‌های نیازمحور اقتصاد در مراکز آموزشی و پژوهشی؛
۲۲. تقویت دروس کاربردی؛
۲۳. افزایش تعداد واحدهای اختیاری؛
۲۴. سوق دادن فارغ‌التحصیلان رشته‌های فنی به رشته اقتصاد در مقطع ارشد و دکترا؛
۲۵. دوری جستن از شعارزدگی در تحول علم اقتصاد و تشکیل کمیته‌های تحول برای این رشته در سطح دانشگاه‌های بزرگ و وزارت علوم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

منابع

۱. ایسینگ و همکاران (۱۳۷۴)، تاریخ اندیشه‌ها و عقاید اقتصادی، ترجمه هادی صمدی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، مؤسسه تحقیقات اقتصادی.

۲. تفضلی، فریدون (۱۳۷۲)، تاریخ عقاید اقتصادی، نشر نی.

۳. قانعی راد، محمدامین، شاخص‌های فناوری ممیزی حوزه علوم انسانی، طرح منتشر نشده.

۴. کارشناس، مسعود و والنتاین مقدم (۱۳۹۱)، سیاست‌گذاری اجتماعی در خاورمیانه، پویایی‌های اقتصادی، سیاسی و جنسیتی، ترجمه علی اکبر تاج مزینانی و همکاران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

۵. کرمی و دیرباز، محمدحسین و عسگر (۱۳۸۴)، مباحثی در فلسفه اقتصاد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۶. مرکز آمار ایران، آمارنامه‌های مرکز آمار در سال‌های مختلف.

۷. موسایی، میثم (۱۳۸۹)، مبانی و اصول علم اقتصاد، انتشارات جامعه‌شناسان.

۸. نوروزی چالکی و همکاران (۱۳۸۸)، سنجش علم، فناوری و نوآوری (مفاهیم و شاخص‌های بین‌المللی)، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.

۹. سایت دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، تبریز، مشهد، اهواز، اصفهان، شیراز، کرمان، زاهدان، مفید، دانشگاه آزاد، پیام نور، وزارت علوم، مرکز آمار، سازمان سنجش.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]